

هشدار درباره کاهش فشار مخزن پارس جنوبی؛ تأمین گاز صنایع نیازمند اقدام فوری است

مشعل نیوز: افت فشار در میدان گازی پارس جنوبی ظرفیت برداشت و تراز گاز کشور را تحت تأثیر قرار داده و ضرورت اجرای طرح فشارافزایی را به یک نیاز فوری تبدیل کرده است ادامه این روند می‌تواند تأمین گاز صنایع را با محدودیت روبه‌رو کرده و بر پایداری تولید و رشد صنعتی کشور اثرگذار شود.

در روزهایی که ناترازی انرژی به یکی از موضوعات اصلی اقتصاد کشور تبدیل شده و صنایع بزرگ برای برنامه‌ریزی تولید خود نیازمند اطمینان از دسترسی پایدار به گاز هستند پروژه فشارافزایی در میدان گازی پارس جنوبی در جایگاه یک تصمیم جدی و راهبردی قرار گرفته است. این میدان به عنوان ستون اصلی تأمین گاز کشور سهمی بیش از 70 درصد از گاز مصرفی در شبکه سراسری را تأمین می‌کند و هرگونه کاهش طبیعی در فشار مخازن آن می‌تواند مستقیماً به کمبود گاز برای بخش‌های خانگی، نیروگاهی و صنعتی منجر شود. از این رو مسئله فشارافزایی تنها یک اقدام فنی نیست بلکه موضوعی مرتبط با امنیت انرژی، تداوم تولید و ثبات اقتصادی کشور است و عدم اجرای دقیق و به‌موقع آن پیامدهایی زنجیره‌ای در حوزه صنایع و خانگی خواهد داشت.

میدان پارس جنوبی بیش از دو دهه است که در مدار تولید قرار دارد و با توجه به ماهیت مخازن گازی افت تدریجی فشار پس از سال‌های برداشت مستم، امری طبیعی و پیش‌بینی‌شده است. بخشی از چاه‌ها در این میدان طی سال‌های اخیر با کاهش فشار سرچاهی مواجه شده‌اند و این روند اگر بدون اقدام اصلاحی ادامه یابد می‌تواند کاهش برداشت روزانه را به دنبال داشته باشد. پروژه فشارافزایی که اکنون در دستور کار قرار دارد، شامل نصب سکوهای جدید مجهز به کمپرسورهای توان‌بالا و اجرای عملیات حفاری درون‌میدانی برای افزایش جریان گاز است تا دبی تولید در سطح مطلوب حفظ شود و از افت قابل توجه تولید در سال‌های آینده جلوگیری به عمل آید.

اهمیت این طرح زمانی بیشتر نمایان می‌شود که وابستگی بخش‌های مختلف

اقتصاد به گاز مورد بررسی قرار گیرد. بیش از 85 درصد نیروگاه‌های کشور از گاز به عنوان سوخت اصلی استفاده می‌کنند و جایگزینی سوخت مایع در زمان کمبود علاوه بر افزایش هزینه تولید برق به افزایش آلودگی هوا منجر می‌شود. در بخش صنعت نیز واحدهای بزرگ فولاد، سیمان، پتروشیمی و کارخانه‌های مادر، برای تداوم کارکرد و حفظ کیفیت تولید نیازمند جریان پایدار گاز با فشار و دبی مشخص هستند. در مقطعی که مصرف گاز بخش خانگی در فصل زمستان به بیش از 700 میلیون مترمکعب در روز رسیده است سهم صنعت ناگزیر کاهش یافته و برخی واحدها با محدودیت یا توقف موقت مواجه شده‌اند. این موضوع به شکل مستقیم بر سودآوری صنایع اثر می‌گذارد و هزینه‌های غیرمستقیم قابل توجهی به اقتصاد تحمیل می‌کند. از جمله کاهش ظرفیت تولید، افزایش قیمت تمام‌شده، کاهش صادرات و اختلال در زنجیره تأمین محصولات پایه.

از سوی دیگر اتکای شدید به پارس جنوبی باعث می‌شود که هرگونه افت تولید در این میدان امکان جبران سریع از منابع جایگزین را محدود کند. توسعه دیگر میادین گازی یا افزایش برداشت از ذخایر جدید نیازمند سرمایه‌گذاری و زمان طولانی است و برای پاسخگویی به نیاز فعلی کافی نیست. به همین دلیل فشارافزایی تنها اقدامی برای حفظ وضع موجود نیست بلکه عنصری کلیدی در حفظ ثبات شبکه گاز کشور به شمار می‌رود. نصب و راه‌اندازی سکوه‌های فشارافزایی می‌تواند چند ده میلیون مترمکعب گاز در روز به توان برداشت موجود اضافه کند یا مانع کاهش همان میزان شود. میزان تولیدی که در دوره‌های اوج مصرف تأثیری مستقیم بر جلوگیری از محدودیت صنایع خواهد داشت.

موضوع دیگر اما جلوگیری از انتقال فشار ناترازی به سایر بخش‌های اقتصادی است. به عنوان نمونه زمانی که کمبود گاز باعث کاهش تولید سیمان یا فولاد می‌شود. قیمت تمام‌شده خدمات عمرانی و ساخت‌وساز افزایش می‌یابد و این افزایش قیمت به بخش مسکن و زیرساخت منتقل می‌شود. همچنین هر بار جایگزینی گاز با سوخت مایع در نیروگاه‌ها هزینه نگهداری، حمل‌ونقل و بهره‌برداری را بالا می‌برد. مجموعه این تغییرات در نهایت در قیمت کالا و خدمات نهایی که به دست مردم می‌رسد منعکس می‌شود.

اجرای فشارافزایی جنبه مهم دیگری نیز دارد و آن جلوگیری از تشدید فاصله میان ظرفیت تولید و تقاضای فصلی است. الگوی مصرف گاز در کشور نشان می‌دهد که تفاوت میان مصرف تابستان و زمستان می‌تواند به حدود 400 میلیون مترمکعب در روز برسد. در فصل سرد حدود 75 درصد

گاز تولیدی به بخش خانگی، تجاری و خدمات اختصاص می‌یابد و این تغییر تخصیص موجب می‌شود که صنایع در نقطه فشار مصرف نخستین بخش‌هایی باشند که با محدودیت مواجه می‌شوند. بنابراین افزایش توان تولید نه تنها برای پاسخ به مصرف فعلی بلکه برای کاهش میزان محدودیت‌های اعمال‌شده بر بخش‌های تولیدی ضروری است.

اگرچه ضرورت اجرای طرح فشارافزایی در پارس جنوبی بارها در سطح سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی تأیید شده، اما روند عملیاتی این طرح با کندی و تردید پیش رفته است. در دو سال اخیر چند قرارداد برای ساخت سکوهای فشارافزایی و تامین کمپرسورهای توان‌بالا با شرکت‌های داخلی منعقد شد، اما بخشی از این قراردادها هنوز از مرحله امضا فراتر نرفته و وارد فاز نصب و راه‌اندازی نشده است. برخی علت این تأخیر را هم به محدودیت‌های مالی و هم به اختلاف نظر میان دستگاه‌های تصمیم‌گیر درباره مدل اجرایی و شیوه تأمین فناوری نسبت می‌دهند. اختلاف‌نظری که اگر ادامه یابد مستقیماً به کاهش برداشت منجر خواهد شد.

موضوع دیگر مسأله مدیریت ریسک در میدان مشترک است. همزمان با کندی اجرای فشارافزایی در بخش ایرانی توسعه و تقویت زیرساخت‌های برداشت در بخش مقابل میدان با سرعت بیشتری ادامه دارد. این وضعیت باعث افزایش حساسیت نسبت به مسئله سهم برداشت شده است. زیرا هر میزان کاهش یا تأخیر در بخش ایران می‌تواند به جابه‌جایی تدریجی مزیت برداشت در منطقه مشترک منجر شود.

در کنار اجرای پروژه، مسئله مدیریت مصرف نیز باید همزمان مورد توجه قرار گیرد. بدون اصلاح الگوی مصرف و افزایش بهره‌وری، هر میزان افزایش در تولید می‌تواند دوباره تحت فشار مصرف غیرکارآمد قرار گیرد. ارتقای راندمان تجهیزات گرمایشی، اصلاح نظام تعرفه‌ای، بهبود عایق‌بندی ساختمان‌ها و تشویق صنایع به بازیافت حرارت و مصرف بهینه، از جمله اقداماتی است که می‌تواند فشار فصلی بر شبکه را کاهش دهد. در نتیجه، فشارافزایی و مدیریت مصرف دو بخش مکمل یک سیاست واحد هستند و تنها در کنار هم می‌توانند امنیت انرژی را پایدار نگه دارند.